



# بحران نفت



محمد حسين خان لرخانی

# بحران نفت

---

توسعه یا استقلال؟



بنگاه ترجمه و نشر  
کتاب پارسه

سرشناسه: خانلرخانی، محمدحسین، ۱۳۶۱ -  
عنوان و نام پدیدآور: بحران نفت؛ توسعه یا استقلال؟/محمدحسین خانلرخانی  
مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۴۰۰  
مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۸۵۰-۵  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
نفت -- ایران -- صنعت و تجارت -- ملی‌شدن/ مصدق، محمد، ۱۳۶۱ -  
موضوع: ۱۳۴۵/نفت -- ایران -- صنعت و تجارت -- جنبه‌های سیاسی  
رده‌بندی کنگره: DSR۱۵۱۷  
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۴  
شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۹۵۸۴۸



## ■ بحران نفت؛ توسعه یا استقلال؟

محمدحسین خانلرخانی

آماده‌سازی و تولید: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

طراحی گرافیک: پرویز بیانی چاپ و صحافی: دالاهو

نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۴۰۲، ۷۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.  
هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

### بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴.

طبقه سوم، تلفن، ۰۵۶۴۴۷۷۴

@ketabeparseh



تقدیم با عشق  
به مادر و خواهرم



## فهرست

مقدمه	۹
فصل اول: نظریه امنیت هستی‌شناختی	۲۳
مقدمه	۲۳
امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل	۲۸
عناصر نظریه امنیت هستی‌شناختی	۳۱
کار بست نظریه در موضوع پژوهش	۴۴
نتیجه	۴۶
فصل دوم: فراگفتمان منافع ملی (پهلوی اول)	۴۹
نفت در دوره رضاشاه؛ شکل‌گیری گفتمان منافع ملی و...	۵۰
بخش اول: مسائل پیرامون نفت قبل از پهلوی اول	۵۲
بخش دوم: شکل‌گیری بحران؛ شکست تجربه مشروطه و مطرح‌شدن...	۵۵
بخش سوم: شکل‌گیری هویت جدید در قالب دولت - ملت	۷۰
بخش چهارم: مذاکرات نفت ذیل پیلۀ ادراکی پهلوی اول	۹۰
نتیجه	۱۱۳
فصل سوم: نفت بعد از شهریور ۱۳۲۰	۱۱۵
شکل‌گیری بحران	۱۱۷

- شکل‌گیری مذاکرات پیرامون نفت ..... ۱۱۹
- منازعه گفتمانی و تکوین گفتمان منافع ملی ذیل مفهوم مصلحت ..... ۱۲۸
- نتیجه ..... ۱۶۸
- فصل چهارم: فراگفتمان استقلال؛ تکوین گفتمان تحقیر ..... ۱۷۱
- مقدمه ..... ۱۷۱
- گفتمان تحقیر؛ استقرار مجدد تاریخ و شکل‌گیری پیلۀ ادراکی ..... ۱۷۵
- بخش اول: تکوین دیگری در گفتمان تحقیر؛ از دشمن دور تا دشمن نزدیک ..... ۱۸۱
- بخش دوم: ملی‌کردن نفت از کنش تا کردار ..... ۱۹۱
- بخش سوم: تکوین سیاست شرم و هویت مقاومت؛ ... ..... ۲۲۴
- نتیجه ..... ۲۳۶
- فصل پنجم: مذاکرات نفت در دولت مصدق؛ تحقق پیلۀ ادراکی ..... ۲۳۹
- هیئت جکسون؛ عزت‌جویی در مقابل حفظ وجهه ..... ۲۴۴
- مذاکرات هیئت استوکس؛ پیوند هستی‌شناسانه نفت و حاکمیت ملی ..... ۲۵۱
- مذاکرات امریکا؛ انعطاف در عین حفظ اصول ..... ۲۶۰
- هویتی‌شدن مسئله نفت برای بریتانیا ..... ۲۶۵
- مذاکرات با بانک بین‌المللی؛ تشدید تأثیر هم‌بازیگران در ... ..... ۲۷۸
- طرح چرچیل - ترومن و طرح هندرسون؛ تبلور مفهوم مقاومت ..... ۲۸۷
- نتیجه ..... ۲۹۷
- فرجام سخن ..... ۳۰۱
- منابع ..... ۳۱۱
- نمایه ..... ۳۴۰



## مقدمه

مذاکرات رسمی، غیررسمی و محرمانه میان ایران و مهم‌ترین قدرت‌های زمان متعاقب ملی‌شدن نفت را به جرئت می‌توان اولین حضور مؤثر ایران در عرصه سیاست بین‌الملل دانست. در ادوار مختلف این مذاکرات، با وجود اینکه دولت مصدق برای تغییر رفتار در کنش ملی کردن نفت با مجموعه‌ای از تهدیدها و مشوق‌ها مواجه بود، هیچ‌گاه از موضع‌اش مبنی بر ملی کردن نفت و اخراج شرکت نفت جنوب عقب‌نشینی محسوسی نکرد، به نحوی که در نهایت با به بن‌بست رسیدن موضوع، طرح کودتا منجر به سقوط دولت شد. با تصویب قانون ملی کردن نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ و به دنبال آن قانون ۹ ماده‌ای نحوه اجرای ملی کردن نفت، موسوم به قانون خلع ید، در اردیبهشت ۱۳۳۰ توسط مجلسین<sup>۱</sup>، دولت مصدق مأمور اجرای قانون خلع ید شد. در حالی که شرکت نفت و متعاقب آن دولت بریتانیا، ملی کردن نفت را نوعی مصادره اموال می‌دانست و با استناد به موادی از قرارداد ۱۹۳۳ امکان

---

۱. مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران، (تهران: شرکت سهامی چاپ، ۱۳۳۵).

الغای یک طرفه قرارداد را غیرقانونی عنوان می‌کرد<sup>۱</sup>، مناقشه‌ای ۲۸ ماهه میان دولت ایران و بریتانیا رقم خورد.

با شروع فرآیند خلع ید از شرکت نفت جنوب، ارتش بریتانیا نقشه‌ای با عنوان «دزد دریایی»<sup>۲</sup> برای اشغال نظامی آبادان تهیه کرد<sup>۳</sup> که بر اساس آن شش گردان نیروهای ضربت ظرف ۲۴ ساعت از سمت عراق، آبادان و پالایشگاه نفت را اشغال می‌کردند. اعزام رزم‌ناوهای بریتانیایی به اروندرود، ورود چتربازان بریتانیایی به قبرس، تجمع دوست تانک و هواپیما در بصره<sup>۴</sup> و همین‌طور حمایت برخی قبایل منطقه، امکان تحقق این تهدیدات را بیش از پیش افزایش داد.<sup>۵</sup>

علاوه بر تهدیدهای نظامی، بریتانیا مجموعه‌ای از فشارهای اقتصادی در قالب انواع تحریم‌ها شامل تحریم چای، قند، شکر، فولاد، مسدود کردن اموال<sup>۶</sup>، منع حق مبادله آزادانه استرلینگ به دلار<sup>۷</sup>، منع صدور

۱. همان

2. Buccaneer

۳. عباس میلانی، نگاهی به شاه، ترجمه: عباس میلانی، چاپ اول (تورنتو: نشر پرشین سیرکل، بهار ۱۳۹۲).

4. Ervand Abrahamian, *the Coup and the Roots of Modern U.S.-Iranian Relations* (New York: New Press, 2013), pp: 49-69.

۵. مرتضی رسولی، حسین مکی، «گفتگو با حسین مکی: کودتای ۱۳۰۰، دولت مصدق، نفت و تاریخ» تاریخ معاصر ایران، ۱ (۱۳۷۶)، ص ۲۶

۶. سپهر ذبیح، ایران در دوران مصدق: ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی، چاپ دوم (تهران: موسسه انتشارات عطائی، ۱۳۷۰).

7. Patrick Clawson and Cyrus Sassanpour "Adjustment to foreign Exchange Shock: Iran, 1951-53" *International Journal of the Middle East Studies*, 19(1987), pp: 1-23.

ضمناً این موضوع به صراحت در صورتجلسه کابینه بریتانیا مورخ ۲۱ ژوئن ۱۹۵۱ از قول مورسون وزیر امور خارجه دولت کلمنت اتلی آمده است: «وزارت

تجهیزات<sup>۱</sup> و همچنین فشار به امریکا برای عدم اعطای وام ۲۵ میلیون دلاری از طریق بانک صادرات و واردات، علیه دولت ایران اتخاذ کرد.<sup>۲</sup> جلوگیری از فروش نفت از جمله مهم‌ترین این فشارهای اقتصادی بود. برای این منظور، بریتانیا ضمن فشار به پرسنل شرکت جهت عدم همکاری با ایران و تهدید آن‌ها به عدم تبدیل درآمدشان به ارز، دیگر خریداران را نیز به شکایت و توقیف اموال تهدید کرد. از آنجا که قسمت اعظم ناوگان نفتکش متعلق به شرکت‌های بزرگ نفتی بود، اجرای این تحریم‌ها به سادگی عملی گردید<sup>۳</sup> که در نتیجه آن درآمدهای نفتی ایران از چهارصد میلیون دلار در سال ۱۹۵۰

---

→ خزانه‌داری قدم‌هایی را در جهت بازداشتن دولت ایران از تبدیل دارایی‌هایش از استرلینگ به دلار برداشته است» به نقل از:

British Government Cabinet Office Papers, Anglo-Iranian Oil Crisis Files, Section 2- part 2, pp.34-165, p. 96.

Available at: [www.paperlessarchives.com](http://www.paperlessarchives.com)

۱. از آن پس صادرات انگلستان به ایران باید با اخذ پروانه ویژه صورت می‌گرفت. درحقیقت ایران از نظر محدودیت‌های تجاری در ردیف کشورهای کمونیستی برای انگلستان درآمده بود و همان محدودیت‌هایی که درباره آنان اجرا می‌شد برای ایران نیز اجرا شد. دولت مصدق برای مقابله با این محدودیت دست به معاملات پایاپای با دیگر کشورها زد. بنگرید به: بهرام افراسیابی، الماس‌های تاریخ: مصدق و دست‌نوشته‌های دکتر حسین فاطمی، (تهران: مهر قام، ۱۳۹۰).

2. Ervand Abrahamian "the 1953 Coup in Iran," *Science and Society* 65(2001), pp. 194-195.

۳. در سال ۱۹۵۱ تقریباً ۳۱ درصد از تانکرهای جهان تحت کنترل شرکت نفت ایران انگلیس و ۴۲.۵ درصد در اختیار شرکت‌های نفتی امریکایی بود. تعداد اندکی تانکر مستقل وجود داشت که اولتیماتوم انگلیس مبنی بر پیگرد قانونی، انتقال نفت را برای ایران بسیار سخت می‌کرد. بنابراین حتی اگر ایران قادر بود که نفت تولید کند، نمی‌توانست آن را صادر کند. بنگرید به:

Mark J. Gasiorowski Malcolm Byrne, *Mohammad Mossaddeq and the 1953 Coup in Iran*. (New York: Syracuse University Press, 2004).

به دو میلیون دلار در سال ۱۹۵۳ تقلیل یافت.<sup>۱</sup> با کاهش دو سومی درآمدهای ارزی و سقوط ارزش پول ملی، رکود همراه با تورم<sup>۲</sup> شرایط اقتصادی را بیش از پیش بحرانی کرد.<sup>۳</sup> کسری بودجه که در سال ۱۳۲۹ بین ۱۵ تا ۲۵ درصد بود، بلافاصله پس از ملی شدن نفت به ۲۸ درصد رسید.<sup>۴</sup>

طرح شکایت در دیوان لاهه و سپس در شورای امنیت سازمان ملل<sup>۵</sup> از دیگر ابعاد فشار علیه دولت مصدق برای تغییر رفتار مبتنی بر ملی کردن نفت بود. مصدق خود در این مورد می گوید: «ما را به شورای امنیت دعوت کرده اند و دولت انگلستان خود را در این معرکه وارد کرده و هر روز مشکل تازه ای برای ما به وجود آورده است و ما را از مرحله ای به مرحله ای دیگر می کشاند و به صورت جدیدی مورد تهدید قرار می دهد.»<sup>۶</sup> این در حالی بود که ایران در آن زمان متحد جدی در سطح بین المللی نداشت. اگرچه در بعضی از آثار این حوزه، امریکارا همراه یا حتی حامی و مشوق ایران در بحث ملی کردن نفت عنوان کرده اند<sup>۷</sup> اما امریکا با این استدلال که ملی کردن باعث نابودی

1. Patrick Clawson and Cyrus Sassanpour, op.cit.

2. Kamran Dadkhah "The Oil Nationalization Movement, the British Oil Boycott and the Iranian Economy 1951-53" in Elie Kedourie and Sylvia G. Haim (eds), *Essays on the Economic History of the Middle East*, (London: Frank Cass, 1988), p:125

3. Mohammad Gholi Majd "The 1951-53 Oil Nationalization Dispute and the Iranian Economy: A Rejoinder" *Middle Eastern Studies*, 31(1995), pp. 449-459. P: 457.

۴. ویدا همراز، «آیا مصدق فریب خورد؟ امریکا و بحران اقتصادی ایران در دوره نخست وزیری

دکتر مصدق» اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، ۴۴(۱۳۸۵)، ص ۱۸

۵. فؤاد روحانی، پیشین.

۶. نطق محمد مصدق، مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۱ مهر ۱۳۳۰ (سایت مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی)

۷. برای نمونه بنگرید به: ابراهیم صفایی، اشتباه بزرگ ملی شدن نفت، چاپ اول

(تهران: کتابسرا، ۱۳۷۱).

ساختار قراردادهای نفتی در سطح بین‌المللی می‌شود، از همان ابتدا حامی آن نبود.<sup>۱</sup> امریکا نگران بود با تبدیل شدن ملی کردن نفت به مدلی برای دیگر کشورهای نفت‌خیز و از سوی دیگر تخفیف ایران به شرکت‌های کوچک به منظور تشویق آن‌ها به خرید نفت ایران، آشفته‌گی و هرج‌ومرج بازار بین‌المللی نفت را در بر بگیرد.<sup>۲</sup> لوی هندرسون سفیر وقت امریکا در ایران می‌گوید:

مصدق یک فرد جتلمن بود... ما تمایل داشتیم روابط خوبی با او داشته باشیم اما نه به قیمت لغو قرارداد با شرکت نفت. ما معتقد نبودیم لغو امتیاز [نفت] در جهت منافع بنیادین ایران، بریتانیا و امریکاست. رفتارهایی از این قبیل، اعتماد دوجانبه را که برای تجارت بین‌الملل ضروری است تحلیل می‌برد... در نهایت من به این جمع‌بندی رسیدم که هیچ توافقی بر سر مسئله نفت تا زمانی که قدرت در دست مصدق باشد امکان ندارد.<sup>۳</sup>

مک‌گی معاون وزیر امور خارجه امریکا نیز به صراحت می‌گوید: «به مصدق گفتم ما قصد نداریم به خاطر نجات ایران نظام دقیق و حساسی که نیازمندی‌های حیاتی نفت جهان را تولید و تأمین می‌کند دچار آشفته‌گی کنیم».<sup>۴</sup> در همین چارچوب نیز تا آخرین روز نخست‌وزیری مصدق، دولت امریکا درخواست‌های متناوب دولت ایران برای دریافت وام را به تعویق انداخت

۱. علی رهنما، نیروهای مذهبی در بستر حرکت نهضت ملی، چاپ اول (تهران: گام نو، ۱۳۸۴).

۲. احمدعلی رجایی مهین سروری، اسناد سخن می‌گویند، جلد دوم (تهران: انتشارات قلم،

۱۳۸۳)، ص ۱۱۳۶.

۳. شرکت‌های نفتی امریکایی به شرکت نفت ایران و انگلیس اطمینان خاطر دادند حتی یک قطره نفت هم از ایران نخواهند خرید مگر آنکه مسئله نفت حل شود. استدلال آن‌ها این بود که ملی کردن همان فسخ یکجانبه قراردادهاست که در نهایت باعث تهدید سرمایه‌گذاری بین‌المللی کشورهای متمدن و رفاه مردم جهان خواهد شد. به نقل از:

Ervand Abrahamian, p: 62.

۴. به نقل از: علی رهنما، پیشین.

و در نهایت به صراحت آن را رد کرد. امریکا به عنوان پیشرو قرار دادهای نفتی مبتنی بر اصل تنصیف منافع، صرفاً در چارچوب این اصل از مطالبات نفتی ایران حمایت می‌کرد؛ در غیر این صورت به هیچ وجه با ملی کردن نفت موافق نبود: «مقتضی است که امریکا و بریتانیا از ترتیب تقسیم منافع بر اساس پنجاه-پنجاه برای کلیه امتیازهای نفت در سراسر خاورمیانه پشتیبانی کنند.»<sup>۱</sup> در سطح داخلی نیز بریتانیا با حمایت از مخالفان و همچنین جانشینان احتمالی مصدق مثل قوام، سیدضیا و زاهدی، رشوه به مطبوعات مخالف جهت برانگیختن احساسات علیه دولت، بسیج سران او باش، رهبران اصناف و بازاریانی که در لایه‌های سنتی جامعه نفوذ داشتند، به شدت علیه دولت مصدق وارد عمل شد.<sup>۲</sup> امریکا هم با آشکار شدن سماجت دولت مصدق بر اجرای کامل ملی کردن نفت، کوشید با پیگیری طرح‌هایی مانند «پروژهٔ بدامن» در این هدف به بریتانیا یاری برساند.<sup>۳</sup>

این وضعیت بحرانی با افزایش اختلاف‌های داخلی میان اعضای جبههٔ ملی تشدید شد. جدا شدن اعضای محوری جبههٔ ملی از جمله آیت‌الله کاشانی، مظفر بقایی، حسین مکی و حائری‌زاده باعث گسترش انشقاق در صفوف ملیون و تضعیف جایگاه دولت مصدق گردید. درخواست مجدد دولت مصدق برای کسب اختیارات ویژه به عنوان یکی از نقاط عطف تشدید این اختلافات، حتی باعث نامه‌نگاری یاران قدیمی دولت مصدق به دبیر کل سازمان ملل و متهم کردن او به پایمال کردن اعلامیهٔ حقوق بشر شد: «هیچگونه آزادی

۱. تلگراف مک‌گی از امان به وزارت خارجهٔ امریکا به نقل از: علی رهنما، پیشین.

۲. فخرالدین عظیمی، تأملی بر نگرش سیاسی مصدق، چاپ اول (تهران: انتشارات خجسته، ۱۳۹۴)، ص ۱۷۵. همچنین بنگرید به: علی رهنما، پشت پردهٔ کودتا: او باش، فرصت طلبان، ارتشیان،

جاسوسان، مترجم: فریدون رشیدیان (تهران: نی، ۱۳۹۹)

۳. عباس میلانی، پیشین.

عمل و عقیده‌ای برای هیچ‌کس باقی نگذاشته و در سایه قدرت پلیسی و نظامی مخالفین خود را زندانی و مطبوعات آزاد را توقیف می‌کند.<sup>۱</sup> حزب توده نیز با متهم کردن مصدق به ایجاد «رسواترین اشکال دیکتاتوری فاشیستی» او را «شعبده‌باز پیر» خطاب می‌کرد.<sup>۲</sup>

این در حالی بود که در کنار این فشارها، بریتانیا عمدتاً تحت تأثیر امریکا و برای ترغیب دولت مصدق جهت تغییر رفتار در ملی کردن نفت، قراردادهای نفتی با شرایط مطلوب‌تر ارائه می‌کرد. این پیشنهادها که در چارچوب مفهوم «نوعی ملی کردن نفت» نهایتاً به فرمولی شبیه تنصیف منافع ختم می‌شدند، علاوه بر از بین بردن تهدیدات مذکور و حفظ وجهه،<sup>۳</sup> درآمدهای نفتی دولت را به بیش از سه برابر گذشته افزایش می‌داد و دولت هم می‌توانست از مزایای دریافت وام از امریکا بهره‌مند شود. این در حالی بود که فحوای پاسخ دولت مصدق به این پیشنهادات به یک کلام خلاصه می‌شد: «فقط یک نوع ملی شدن وجود دارد و آن نوع واقعی است.»<sup>۴</sup> مصدق در یکی از این مذاکرات صریحاً به مصطفی فاتح از مدیران اداری و باسابقه شرکت نفت ایران و انگلیس گفت: «موضوع ادامه فعالیت شرکت سابق در صنعت نفت ایران منتفی است و اگر در پیشنهادهایی که... به ایران تسلیم خواهد کرد واقعیت ملی شدن رسماً پذیرفته نشده باشد دولت ایران بدون کمک شرکت، قانون ملی شدن را اجرا می‌کند.»<sup>۵</sup> او بارها در مقابل این مشوق‌ها جهت عقد

۱. نامه ابوالحسن حائری‌زاده، روزنامه اطلاعات، ۱۸ مرداد ۱۳۳۲، (مرکز اسناد کتابخانه ملی)

۲. علی میرفطروس، دکتر محمد مصدق آسیب‌شناسی یک شکست، (فرانس: فرهنگ، ۱۳۸۶).

### 3. Face-saving

۴. غلامرضا نجاتی، مصدق؛ سال‌های مبارزه و مقاومت، چاپ دوم، (تهران: مؤسسه خدمات

فرهنگی رسا، ۱۳۷۸). صص ۲۹۷-۲۹۶.

۵. الول ساتن، نفت ایران، ترجمه رضا رئیس طوسی، (تهران: صابرین، ۱۳۷۲) ص ۲۹۱.

قرارداد جدید گفته بود: «... ما کمپانی نفت انگلیس - ایران را اطلاق داده‌ایم»<sup>۱</sup> تشدید عزم دولت مصدق بر ملی کردن صنعت نفت با افزایش فشارها به نحوی بود که شپرد سفیر وقت بریتانیا در ایران باور داشت حتی با واگذاری ۶۰ درصد سود به ایران نمی‌توانیم هیچ کاری در جهت رضایت مصدق به انعقاد قرارداد جدید انجام دهیم.<sup>۲</sup> در همین حال، اغلب مشاوران مجرب دولت، ملی کردن نفت را غیر عملی می‌دانستند و معتقد بودند صنعت نفت در طول شش ماه از هم می‌پاشد: «ایران استطاعت پرداخت غرامت ندارد، از دانش فنی لازم جهت عملیات‌های مختلف صنعت نفت برخوردار نیست و [تأکیدش بر ملی کردن نفت] باعث اتحاد دیگر شرکت‌های نفتی در یک "بلوک ضد ملی کردن" خواهد شد»<sup>۳</sup>

اگرچه گفته می‌شود دولت انگلیس - مخصوصاً بعد از به قدرت رسیدن محافظه کاران به رهبری چرچیل - سعی داشت در صورت مصالحه، این کار با دولتی غیر از دولت مصدق باشد، اما در نهایت شرایطی که برای انعقاد قرارداد پیشنهاد می‌شد نسبت به عرف قراردادهای مشابه آن زمان قابل توجیه بود؛ مضافاً اینکه انعطاف دولت مصدق باعث انزوای بریتانیا و کاهش احتمال اتحاد میان امریکا و بریتانیا علیه ایران می‌شد.

اما دولت مصدق همچنان با وجود تمام فشارهای نظامی، تحریم‌های اقتصادی و تنگناهای سیاسی و بین‌المللی در مقابل هر گونه سازشی مبنی بر حضور و کنترل مجدد بریتانیا بر صنعت نفت ایران مقاومت می‌کرد به نحوی که بولارد سفیر اسبق بریتانیا در ایران بعدها گفت: [دولت مصدق] اصلاً به

۱. نجاتی، پیشین ص ۳۴۲.

2. Abrahamian, op. cit, p. 57.

۳. نامهٔ محرمانهٔ سورنبرگ مشاور دولت ایران به مصدق. به نقل از:

Ibid, p. 61.